

# شهرنشینی و جهانی سازی

خورخه ویلهیم

مهندس معماری و شهرسازی مقیم ساتوپولو، طراح چند شهر از جمله کوریتوبا در برزیل. وی معاون دبیر کل کنفرانس دوم سازمان ملل برای اسکان بود (استانبول، ۱۹۹۶).

## روند جهانی سازی سرنوشت شهر و شهرنشینی را رقم خواهد زد.

دادن تصویری روشن از زندگی شهری قرن بیست و یکم در شمال و خصوصاً در جنوب ممکن نیست مگر آنکه پدیده جهانی سازی را در نظر داشته باشیم. این پدیده همین جا هم مسبب تحولاتی عمیق بوده است. اصولاً شهر - و به ویژه کلان شهر - عرصه عملکرد روند جهانی سازی است. از این قرار، شهر صحنه تحولات بزرگ قرن آتی خواهد بود.

جهانی سازی، «دهکده جهانی» را که مارشال مک لوهان کانادایی پیش بینی کرده، عینیت بخشیده است. «عصر اطلاعات» که جهانی سازی ایجاد کرده، زمان را فشرده می سازد و ما در جهانی زندگی می کنیم که سرعت آن به نحوی فزاینده و بی سابقه تشدید می شود. روند توسعه شهری جهان تابع این روند است و سرعت وقوع آن در جنوب ترس آور است. در ۲۰۲۵، دو سوم از مردم جهان در شهر که گویا بهترین مکان برای نیل به آرزوهاست، ساکن خواهند بود.

جهانی سازی همچنین عامل نوعی «جغرافیای جدید» شهری هم در شمال هم در جنوب است. جزیره های مصرف کنندگان مرفه در میان اقیانوسی از مردم محروم شهرها شکل می گیرند. «اقتصاد بازار» یکسره شماری فزاینده از بی کاران، مهاجران، اقلیت ها و بی خانمان ها را به شهر می راند. بدین متوال، همه کلان شهرها - و نه فقط کلان شهرهای جنوب - با تنش های درونی روزافزون دست به گریبان خواهند بود. مثلاً در نیویورک ۲۰ درصد از فقیرترین جمعیت درآمدی پانزده برابر کمتر از بیست درصد از ثروتمندترین بخش جمعیت شهر دارند.

همه شهرها دارای محله هایی «اعیانی» و «خطرناک» هستند و این گونه ترکیب در شهرهای کهن اروپا بیشتر محسوس است تا شهرهای امریکا که از تحرک جغرافیایی و اجتماعی بیشتری برخوردارند. اما آهنگ و مقیاس این جدایی اجتماعی و جغرافیایی تغییر کرده است و علل این تغییر عبارتند از: افزایش جمعیت شهری، ازدیاد مهاجرت «غیرقانونی» و تشدید ناپایداری ها.

ما در واقع به دوره ای از گذار تاریخی وارد شده ایم که در آن ناپوستگی بر اصلاحات غلبه دارد. تحولات ریشه ای در تولید و اشتغال، تمرکز حیرت آور سرمایه ها در بخش مالی و در دست سوداگران بیش از اصلاحات دولتی برای سالم سازی اقتصاد بازار بر زندگی های ما تأثیر می گذارند. جدایی بین مردم شهرنشین که سرعتی بی سابقه یافته و به خاطر رشد انفجار آمیز کلان شهرها در ابعادی عظیم صورت می گیرد، می تواند حاوی پیامدهایی باشد که هنوز از آنها بی خبریم.

**سناریوی نخست: اوضاع بد است.** تسریع روند جهانی سازی، احساس عدم اطمینان به آینده را دامن می زند. ترس و واکنش های دفاعی نزد افراد و نهادها شدت می گیرد. این وضعیت کلاً موجب فروخته شدن آتش نبردباری، بیگانه ستیزی و بدگمانی نسبت به هر چیز نو یا بیگانه

می گردد. تنش های شهری روز به روز خشونت آمیزتر می شوند و جدایی ها شدت می یابد. مکان های عمومی به حال خود رها و به ناکجا آباد خطرناکی تبدیل می شود که مسکن فلاکت بار مطرودان خواهد بود. شهر کارکرد اصلی اش را که چهارراه ملاقات ها و مبادله ها بود از دست می دهد.

اگر جهانی سازی همچنان با آزادسازی بازارهای مالی و عدم تخفیف در بدهی کشورهای جنوب همراه باشد، این کشورها از عهده تأمین هزینه تأسیسات شهری خود بر نخواهند آمد. در صورتی که فقدان اراده سیاسی و فساد نیز بر این اوضاع اضافه شود، مقابله خشونت آمیز با نظام های حاکم گسترش خواهد یافت. رژیم های بی پول به شیوه های غیردموکراتیک واکنش نشان خواهند داد و حتی با تشکیلات مافیایی همدست خواهند شد تا از سرمایه های آنان استفاده کنند.

**سناریوی دوم: اوضاع رو به راه است.** بنابه این اصل که "هر چه دولت ایجاد می کند، عمومی است، اما هر چه عمومی است از آن دولت نیست"، قرارداد اجتماعی جدیدی بین دولت، بازار، جمعیت فعال و جامعه مدنی شامل سازمان های غیردولتی (NGO) شکل خواهد گرفت. شهرها با ایجاد محل های جدید مبادله بین شهروندان، کیفیتی نو برای زندگی آنان فراهم می کنند. با ایجاد اشتغال در بخش های اجتماعی، محیط زیست، آموزش، تحقیقات، فرهنگ و تفریحات، فرصت های نویدبخشی برای جوانان خلق خواهد شد.

در کشورهای جنوب، راهبردهای توسعه درازمدت و برنامه ریزی برای توسعه شهری صورت عملی می گیرند، چنان که بهره برداری از امتیازات جهانی سازی در عین پرهیز از عوارض منفی آن ممکن می گردد. برنامه توسعه شهری به بخشی از روند سیاسی بدل می گردد و دولت تحت نظارت نهادهای مدنی با بخش خصوصی وارد همکاری می شود. احداث مسکن های مناسب به کمک نظام خرده - اعتبار و نظارت بر بهای مصالح ساختمانی ممکن است. تقویت تأسیسات زیربنایی امکان آن را فراهم می کند که نواحی حاشیه ای به متن متمدن شهر ملحق شوند. دموکراسی با ایجاد نهادهای تازه ای جهت مشارکت شهروندان گونه ای تازه از حکومت را به اجرا می گذارد.

**در یک سناریوی انتقالی،** راهبردهای اقدام باید جایی بین این دو منتها درجه قرار گیرند. این راهبردها باید معطوف به اهدافی اجتماعی باشند، چنان که در کلان شهرها تمدنی مبتنی بر دموکراسی مشارکتی و بر «کاپیتالیسم انسان مدارانه» یا «سوسیالیسم بازار» شکل گیرد.

اما آینده در پرده ابهام است. بگذارید امیدوار باشیم که دوره انتقالی کنونی به زودی به رنسانس اومانیستی دیگری خواهد انجامید که برخی نشانه هایش را از هم اکنون نیز می توان دریافت. اگر چنین شود، راه به سوی توسعه ای عادلانه، انسانی و صلح آمیز باز خواهد شد. ■

اکنون عصر معماری است و بدون شهرسازی جدید، معماری جدید معنایی نخواهد داشت. در طول روزگاران همیشه شهرهای جدید جایگزین شهرهای کهنه شده اند، اما اکنون زمان تولد شهر تابناک و خوشبخت عصر جدید فرا رسیده است.

لو کوربوزیه،

معمار و شهرساز فرانسوی (۱۹۶۵-۱۸۸۷)